

جهانی سازی



مقابله با چالش های آن

بخش پایانی

محمدملارزاده / نویسنده و پژوهشگر - اشنویه

تهدیدها و تأثیرات منفی جهانی سازی

پدیده جهانی سازی اگر از منظر طرفداران آن فوایدی چند در برداشته باشد، چنانکه ادعا می کنند، از منظر مخالفان آن بسیار مضر و خطرناک جلوه می کند، و آن فواید لزوماً به سردمداران آن بر می گردد نه به ملت های جهان سوم. اینک فهرست وار به برخی از جنبه های زیان آور جهانی سازی می پردازیم:

۱. امریکایی کردن جهان

اولین اثر منفی جهانی سازی تحمیل فرهنگ و تمدن، اعتقادات و ارزش ها، اخلاق و سیاست، و نظام سرمایه داری امریکا بر همه ملل و دول جهان است. به گفته استاد مصطفی محمد الطحان: "سیطره سرمایه داری غربی در رأس آن امریکا بر تمامی شئون جهانی در میدان های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی از اهم اهداف جهانی سازی است."^{۱۷}

سردمداران کنونی امریکا و طراحان سیاست جهانی سازی، روش استفاده از زور و تحمیل اجباری الگوی امریکایی را از راه اسلحه و تهاجم نظامی در پیش گرفته اند و تحرکات کنونی امریکا در جهان شاهد این مدعا است.

۲. هیمنه قوانین جهانی

دومین اثر منفی جهانی سازی غربی، تحمیل قوانین جهانی بر همه جهان است. اگر همه جهانیان مکلف و ملزم به اطاعت و پیروی از این قوانین می بودند جا داشت که همگی به استقبال آن بشتابند ولی چنانکه گفته اند: "القانون لا یطبق الا علی الضعفاء/قانون جز بر ضعفا اجرا نمی شود"، و غرب مقتدر از قانون در راستای منافع خود و چاییدن هر چه بیشتر جهان سوم بهره می گیرد. خواه قوانین یاد شده مربوط به امور سیاسی باشند یا اقتصادی یا غیره.

از قانون، شورای امنیت و... به منظور مشروعیت بخشیدن به کشتار مردم بی دفاع افغانستان، فلسطین، عراق و تروریست معرفی کردن مسلمانان و مدافعان حقوق مشروع خویش استفاده می نمایند، تا جنایات صهیونیست ها را قانونی و مشروع جلوه دهند و دفاع مشروع فلسطینی ها را ترور و خشونت معرفی کنند!؟

ژاپن ۶۲، آمریکا ۵۳، آلمان ۲۳، فرانسه ۱۹، انگلستان ۱۱، سوئیس ۸، ایتالیا ۵، کره جنوبی ۴ و هلند. ۴ از دیگر سو ۳۵۸ نفر از سرمایه داران بزرگ جهان، ثروشان معادل ثروت و درآمد دو میلیارد و سیصد میلیون نفر از مردم فقیر جهان است. به عبارت دیگر ۲۰٪ از سرمایه داران بزرگ جهان ۸۰٪ کل درآمد جهان را در اختیار دارند.^{۱۹۱}

۵. بازار باز

یکی دیگر از ابزارهای جهانی سازی "بازار باز" است که سازمان تجارت جهانی و سایر مؤسسات مالی بین المللی چون (صندوق بین المللی پول و بانک جهانی) مسئولیت تقویت آن را به عهده دارند. آمریکا و سایر کشورهای صنعتی در صدد هستند از طریق تسلط بر تجارت جهانی امکان هر گونه رقابت را از دولت های فقیر برینند و آنها را هر چه بیشتر در چنبره فقر محصور کنند و دایره آن را هر چه تنگ تر و تنگ تر کنند.^{۱۹۲}

با دقت نظر در نکات فوق الذکر به وضوح مشخص می شود که ثمره و دست آورد جهانی سازی برای ملت ها و دولت های جهان سوم، فقر، عقب ماندگی، غارت منابع، بیگانه شدن از هویت و فرهنگ اصیل و دور شدن از معتقدات و مقدسات دینی و ملی (هویت ملی و مذهبی) است.

در یک عبارت مختصر "جهانی سازی" یک استعمار جدید و یک تهاجم خطرناک فرهنگی و یک مبارزه طلبی پنهان علیه هویت ملی و مذهبی مسلمانان و سایر ملل جهان سوم به شمار می رود.

راهکارهای مقابله با چالش های جهانی سازی

پس از بیان برخی خطرات و تهدیدهای جهانی سازی غربی لازم است به صورت مختصر بعضی از راهکارهای مقابله با آن را بیان نماییم:

۱. تأکید بر حفظ هویت اسلامی

سرمه داران نظم نوین جهانی در صدد هستند از راه جهانی سازی، نحوه نگرش خود به دین را، به عنوان یگانه الگوی مقبول برای تمامی مردم جهان به آنان تحمیل نمایند تا پیر و ان دیان به دیده غربی به دین خود بنگرند و با آن تعامل نمایند و دین را از قالب ایدئولوژیک و فراگیر به قالبی بی خاصیت و منحصر در رابطه میان انسان و خدا تغییر و تقلیل دهند. این پدیده با در انحصار قرار دادن پیام دین در

۳. هیمنه فرهنگ غربی

یکی دیگر از نتایج منفی پدیده های جهانی سازی تحمیل الگوی فرهنگ غربی (امریکایی) بر جهان است.

فرهنگ، روح، هویت و مایه استقلال هر قوم و ملتی به شمار می رود. بقای ملل و اقوام منوط به بقا و حفظ فرهنگ آنهاست. بیگانه شدن با فرهنگ خویش و دوری از آن باعث ذوب شدن در فرهنگ دیگران و از "خودبی خود شدن" می شود و سرانجام منجر به از دست دادن "هویت" خود می گردد. سرمداران جهانی سازی تحت عنوان "فرهنگ جهانی" در صدد ملت ها را با فرهنگ خویش بیگانه و در فرهنگ غربی تحلیل و استحاله کنند.

منادیان جهانی سازی نظریه "پایان تاریخ" و یا "جنگ تمدن ها" را در میان ملل جهان رواج می دهند تا از کانال آن به جهان خواری خود مشروعیت ببخشند.

دین اسلام به جای مرگ تمدن ها و جنگ تمدن ها به "تعامل تمدن ها" عقیده دارد و پایه اندیشه جهانشمولی اسلام را مشارکت و تعامل تمدن ها با یکدیگر تشکیل می دهد.

دکتر یوسف قرضاوی درباره تفاوت تعامل فرهنگی و تهاجم فرهنگی می گوید: "تعامل فرهنگی نه تنها مشروع بلکه مطلوب است. اما شرط تعامل این است که میان دو طرف مخالف صورت بگیرد و هر دو از روی آگاهی و اختیار با هم بده بستان داشته باشند. در تعامل فرهنگی هر یکی موارد مورد نیاز خود را محفوظ نگه می دارد، از ویژگی های خود حفاظت به عمل می آورد و ارزش ها و مبادی و مقومات شخصیت خود را نادیده نمی گیرد. اما تهاجم فرهنگی از سوی طرف قوی و قدرتمند علیه طرف ضعیف صورت می گیرد و غالب قاهر، مغلوب مقهور را سرکوب می کند. مغلوب از غالب می گیرد ولی به او نمی دهد و آنچه را که بدان احتیاج دارد با آنچه را که بدان احتیاج ندارد به صورت مساوی می گیرد، حتی بعضی اوقات اشیایی را که ضرر خالص هستند از غالب می گیرد و اشیای نافع را نادیده می انگارد!"^{۱۹۳}

۴. هیمنه شرکت های غول پیکر

شرکت های غول پیکر اقتصادی یکی دیگر از ابزارهای توسعه جهانی سازی غربی به شمار می روند. آمارها حکایت می کند که دوپست شرکت بزرگ اقتصادی ۳۰٪ کل درآمد جهان را تا سال ۱۹۹۵ در اختیار خود در آورده اند و این شرکت ها در ۹ کشور به شرح زیر قرار دارند:

امور عبادی و رابطه انسان با خدا، و انسانی و عرفی کردن دین، تاریخی کردن احکام و ایجاد تغییر در ساختار و بنیان های آن و به حداقل رساندن نقش آن جلوه می کند.

لذا اگر ما مسلمانان بخواهیم تحت تأثیر تهاجم جهانی سازی واقع نشویم و زیر چرخ های آن له نگردیم باید هویت دینی خود را پاس بداریم و دین را آن چنانکه در طول چهارده قرن گذشته در میان مسلمانان وجود داشته است و به عنوان یک سیستم کامل و برنامه فراگیر زندگی مطرح بوده، حفظ نماییم و بر حقانیت آن استوار باشیم. امروزه منادیان جهانی سازی در صدد هستند دینی به خورد ما بدهند که جز دین همه چیز در آن وجود دارد. اگر این الگوی دینی در جهان غرب به دلیل فقدان وحی و تحریفی بودن کتاب مقدس مورد پذیرش باشد، برای مسلمانان که قرآن آنان محفوظ و در برگیرنده یک سیستم کامل زندگی است، هرگز مصداق ندارد. طرفداران مدرنیسم و نسبیست گرایی می کوشند اندیشه نسبیست را به دورن دل های مسلمانان راه دهند و از این کانال آنها را نسبت به حقانیت دین شان مشکوک نمایند. از این رو بر ما لازم است در حقانیت و قابلیت و خاتمیت دین خودمان شک به دل راه ندهیم و با توسل به ندای ملکوتی "ان الدین عندالله الاسلام"^(۱) و "من یتبع غیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه و هو فی الآخرة من الخاسرین"^(۲)، و ایمان به حق بودن دینمان "هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله"^(۳) توطئه تحریف دین از سوی فریب خوردگان و منحرفان را ناکام و خشتی کنیم.

۲. استقلال در بینش و تصمیم گیری سیاسی

غربی ها از کانال به قبضه خود در آوردن وسایل اطلاع رسانی و جهت دهی افکار عمومی، کاری کرده اند که مردم جهان بویژه جهان سوم دارای بینش سیاسی مستقل و نشأت گرفته از عقیده دینی، و استقلال در تصمیم گیری سیاسی نباشند، بلکه در محافل روشنفکران و سیاسیون ما آنچه به عنوان دیدگاه سیاسی عرضه می شود پژوهش و تحلیل های غربی ها باشد و در قبال قضایای مختلف فاقد تصمیم گیری باشند. این مطلب به حدی روشن است که احتیاج به استدلال ندارد. بنابراین بر ما لازم است جهت مقابله با تحلیل رفتن و ذوب شدنمان در پدیده جهانی سازی از بینش سیاسی نشأت گرفته از هویت دینی و استقلال در تصمیم گیری های سیاسی برخوردار باشیم.

بینش سیاسی بر دو عنصر استوار است:

۱. آگاهیهای سیاسی، ۲. کار سیاسی.

بینش سیاسی یعنی نگرش به جهان از یک زاویه و دید معین زیرا اگر از یک دید معین به قضایا ننگریم، نگرشمان سطحی خواهد بود و فاقد اعتبار تلقی می شود و نمی توان بر آن نام بینش سیاسی نهاد.^(۴) بنابراین بر ما است از زاویه تعالیم دینی و جهان بینی توحیدی به مسائل بنگریم و آنها را تحلیل نماییم؛ به عبارت دیگر، "وحی" را که در "قرآن و سنت" متجلی است مبنا و زیربنای تحلیل های خود قرار دهیم.

۳. تحقق بخشیدن به رشد اقتصادی

یکی از مهم ترین علل و اسباب عقب ماندگی و در نهایت دنباله روی کشورهای جهان سوم بویژه کشورهای اسلامی، ضعف اقتصادی و فقر مردم آنها است.

آمارها نشان می دهند که ۸۰٪ مردم این کشورها زیر خط فقر زندگی می کنند. اقتصاد دولت ها عقب افتاده و توسعه نیافته است. از صنعت و تکنولوژی پیشرفته خبری نیست. دیون دولت ها روز به روز فزونی می یابد و آنها توان بازپرداخت آن را ندارند. نرخ تورم روز به روز بالا می رود. مواد خام و معادن زیرزمینی آنها یا دست نخورده باقی مانده یا از سوی شرکت های اقتصادی دولت های سرمایه داری به غارت برده شده، یا به قیمت ناچیز خریداری گردیده است و در مقابل تولیدات و کالاهای مصنوعی خود را به قیمت بسیاری بالا و سنگین به سوی م صادر می کنند. تا زمانی که وضعیت اقتصادی کشورهای جهان سوم چنین باشد امکان و توان رویارویی با غول های اقتصادی غربی غیر ممکن خواهد بود. لذا لازم است در راستای رهایی از این وضعیت اسف بار و تحقق بخشیدن به رشد اقتصادی و خودکفایی به امور زیر اهتمام ورزند:

۱. تلاش در جهت رشد اقتصادی و فن آوری جدید و تکیه بر استفاده از کالاهای ساخت داخل و حتی الامکان پرهیز از مصرف کالاهای خارجی و اجتناب از وارد کردن تولیدات جهان غرب؛

۲. بکارگیری از تمام توانمندیها و پتانسیل موجود در داخل ممالک اسلامی و استفاده صحیح و بهینه از منابع خدادادی؛

۳. تلاش در جهت تأسیس و راه اندازی کارخانه های مادر و سعی در جهت تقویت مبادلات تجاری میان شرکت های اقتصادی کشورهای جهان سوم و رقابت با تولیدات غربی و جلوگیری از ورود کالاهایی که مشابه آن در داخل کشور تولید می شود، و سعی در

امت اسلامی و مجاهدان مسلمان و راهیان راه‌بیداری اسلامی را به خود نمی‌داد. لذا بر مسلمانان واجب است - بلکه از اهم واجبات است - که با پیش گرفتن راههای ممکن، خود را از شر حکام سر سپرده و مستبد برهانند تا در این کارزار جهانی موفق شوند.

۷. تقویت بیداری اسلامی

آخرین و در عین حال مؤثرترین راهکار مقابله با اثرات مخرب پدیده جهانی سازی، تقویت بیداری اسلامی و همگامی با آن است. بیداری اسلامی - که امروزه غربی‌ها بر آن نام بنیادگرایی اسلامی نهاده‌اند - مایه عزت و شرف امت اسلامی است و نظم نوین جهانی و سردمداران جهانی سازی بزرگترین خطر را از ناحیه آن احساس می‌کنند و خود اعتراف می‌نمایند که بعد از فروپاشی کمونیسم و رفع خطر سرخ، بزرگترین خطر از ناحیه جنبش‌های بیداری اسلامی، جهان غرب و سیستم سرمایه‌داری را تهدید می‌کند؛ این است که این چنین مصمم و دیوانه‌وار به جان آن حمله آور شده‌اند.

۸. کنار نهادن اختلافات فرقه‌ای و مذهبی

زیان‌هایی که از ناحیه اختلافات فرقه‌ای و مذهبی دامنگیر و متوجه امت اسلامی شده است به مراتب بیشتر و سنگین‌تر از زیان‌هایی است که مسلمانان از ناحیه دشمنان خارجی و کفر جهانی متحمل شده‌اند. این واقعیتی است که اثبات آن نیاز به دلیل ندارد. از روزی که آتش اختلاف در میان مسلمانان شعله‌ور گردید حرکت علمی، فکری، عملی، صنعتی و تجربی آنها کند گردید و فتوحات اسلامی متوقف شد. لذا بر پیروان تمام مذاهب و فرق اسلامی لازم است ضمن احترام به آرای مخالفان و تحمل یکدیگر، با استفاده از "فقه اولویات" و "فقه موازات" و "فقه تعامل و ارتباطات" و اعتصام به حبل‌الله المتین^(۲۵) و ارجاع نزاع‌ها به حکمیت قرآن و سنت^(۲۶) و احیای اخوت اسلامی^(۲۷) همه در یک صف استوار^(۲۸) قرار بگیرند و علیه خطرهای جهانی یک سد محکم بوجود آورند.

لازم به یادآوری است که صرفاً انعقاد کنفرانس و تشکیل جلسات باعث اتحاد و رفع اختلاف نخواهد شد، بلکه باید گام‌های عملی در راستای لغو امتیازات و فواید اعم از مذهبی، قومی و طبقاتی برداشته شود و جلو استبداد و خودکامگی و تک‌محوری سد شود. مطمئناً زمانی که "استکبار" و "استضعاف" در جامعه وجود داشته باشد سخن از "وحدت" و "اخوت" ثمربخش نخواهد بود.

هم‌طرازی و حتی برتر نمودن نمونه‌های تولیدی خود از مشابه غربی؛
۴. تلاش بی‌وقفه در جهت نیل به خودکفایی اقتصادی.

۴. تدوین استراتژی رویارویی

مقابله با چالش‌های جهانی سازی به تدوین یک استراتژی واحد و نشأت گرفته از فرهنگ و ایدئولوژی شرقی اسلامی نیاز دارد. ما مسلمانان موظف هستیم روی یک استراتژی واحد که برگرفته از عقیده دینی و حافظ هویت ملی و دینی مان باشد، کار کنیم. این مهم به ارائه تفکری جدید و قرائتی درخور زمان از نصوص و آیات و احکام و اجتهادهای جدید در فقه اسلامی نیاز دارد. اجتهادی که میان سنت‌های اصیل دینی و دست‌آوردهای عقل و اندیشه بشری توافق و هم‌خوانی به وجود آورد و در عین ترقی و تعالی بخشیدن به مسلمانان و امت اسلامی حافظ مبانی دینی و هویت ملی باشد و از ذوب شدن مان در فرهنگ و وارداتی و تهاجم فکری جلوگیری کند. بر مسلمانان لازم است به قدرت علوم و فن‌آوری جدید مسلح شوند و در همان حال هویت دینی خود را پاس بدارند. و این کار به تلاش و کوشش فراوان شبانه‌روزی نیاز دارد، کوششی منظم، برنامه‌ریزی شده و مبتنی بر تحقیق و نوآوری.

۵. گسترش و تقویت دعوت اسلامی

بر دعوت‌گران مسلمانان نیز لازم است ضمن حفاظت از هویت خود در داخل، مجموعه‌ای از کادرهای فعال، مؤثر و قوی را پرورش دهند و آنها را به غرب بفرستند تا پیام حیات‌بخش اسلام را به گوش جهانیان (بویژه غربی‌ها) برسانند؛ و صد البته که باید این دعوت‌گران از چنان ایمانی برخوردار باشند که تحت تأثیر جاذبه‌های مادی و فکری جهان غرب واقع نشوند، بلکه با فرهنگ و تمدن غرب کاملاً آشنا باشند.

۶. رهایی از حاکمیت استبداد

یکی دیگر از مشکلات مسلمانان - در واقع ام‌المشاکل آنان - حاکمیت حکومت‌های استبدادی سکولار است؛ این حاکمان مستبد و این سیستم‌های حکومتی استبدادی را نیز استعمارگران غربی در ممالک اسلامی بوجود آورده‌اند و آنها را بر گردن ملت‌های مسلمان سوار کرده‌اند تا به نیابت از آنان امت اسلامی را به طوق ذلت بکشند و در فقر و محرومیت و بدبختی نگه دارند. اگر این سرسپردگان مستبد نمی‌بودند، استعمار هرگز جرأت رویارویی با

۹. رعایت حقوق شهروندی

یکی از معضلات اساسی مسلمانان و کشورهای اسلامی بلکه جهانی معضل اقلیت های قومی، مذهبی و دینی است. چرا باید یک اقلیت، تنها به دلیل اقلیت بودن از لحاظ دینی یا مذهبی و یا قومی مورد تحقیر واقع شود و حقوق خدادادی و انسانی پامال گردد؟ به کدام دلیل و مجوز شرعی و دینی قومی به خاطر داشتن فلان دین یا مذهب یا زبان، حق ارتقا به مناصب بالای مملکتی و کشوری را نباید داشته باشد و قوم دیگر تنها به دلیل در اکثریت بودن یا قبضه قدرت از این مزایا و حقوق بهره مند گردد؟

واقعیت تلخ و ملموس این است که برخی از طوایف و ملل تنها به دلیل در اقلیت بودن مورد ستم واقع شده و می شوند. این پدیده شوم زمینه ساز بحران سلب امنیت و آرامش است و منادیان جهانی سازی از این فاکتورها جهت ایجاد تنش و بحران استفاده می کنند و از آنها در راستای تعقیب اهداف خود بهره می گیرند. تاریخ درخشان اسلام گواه این واقعیت است که مسلمانان همواره دشمن استبداد بوده اند. خلیفه دوم حضرت عمر فاروق رضی الله عنه خطاب به عمر و بن عاص فرمود: "متی استعبدتم الناس وقد ولدتهم أمهاتهم أحراراً از کی مردم را به بردگی گرفته اید در حالی که از مادر آزاد به دنیا آمده اند".

مسئله اقلیت ها که در بیشتر کشورهای اسلامی دولتها با آن چالش دارند، با استبداد و سرکوب و خفقان حل نمی شود و این کار با روح اسلام سازگاری ندارد. به قول زنده یاد استاد سید ابو الحسن ندوی: "اسلام و استبداد همچون دو کفه یک ترازو هستند، هر چه کفه استبداد سنگین تر شود اسلام ضعیف تر می گردد و هر چه کفه اسلام سنگین تر گردد استبداد ضعیف تر و ضعیف تر می گردد".

علاوه بر این اگر هم دین اسلام و هم منشور حقوق بشر به حقوق اقلیت ها ارجح و احترام می گذارند چرا به این دو پاسخ مثبت داده نمی شود تا هم خدا را از خود خشنود کرده و هم وجدان انسانی مان را راضی کرده باشیم، هم از عقوبت اخروی رها شویم و هم از توبیخ دنیایی نجات پیدا کنیم؟!

۱۰. احیای فریضة جهاد

جهاد یکی از فرایض مقدس اسلام است که بقا و استواری اسلام در گرو آن است و قلّه رفیع دینداری به حساب می آید. هر قومی که از آن روگردان شود، گرفتار خواری و ذلت می گردد و جز به وسیله احیای آن نجات پیدا نمی کند.

قرنهاست که دشمنان اسلام در تلاش هستند روحیه "جهاد" را در درون مسلمانان بمیرانند و آن را به "خشونت طلبی"، "ترور" و "بی رحمی" و غیره تفسیر کنند، حتی ادبیات جهادی را از صفحات کتابهای ما بردارند و تعلیم آیات و احادیث جهاد را در مدارس منع می کنند. لکن بر مسلمانان لازم است بدون توجه به تبلیغات دشمنان یک حرکت جهادی به مفهوم "عام" و "خاص" آن به راه اندازند تا مشمول هدایت خداوند متعال واقع شوند: "والذین جاهدوا فینا لنهذبهم سبئنا" (۲۹)

این مطلب را با فرازی از سخنان حضرت علی رضی الله عنه به پایان می بریم که در نهج البلاغه از ایشان منقول است:

"اما بعد: همانا جهاد یکی از درهای بهشت است که خداوند آن را بر روی اولیا و دوستان مخصوص خویش می گشاید. لباس پرهیزگاری و قلعه مستحکم خداوند و حافظ و پناهگاه (اقوام و ملت ها) به شمار می رود. هر کس آن را ترک کند و از آن روگردان شود، خداوند لباس خواری و ذلت بر او خواهد پوشاند و گرفتار مصیبت و آفت می گردد، مهر زبونی می خورد و میان قلب او و خیرات حجاب واقع می شود و در نتیجه روگردانی از جهاد ذلیل و زیون می گردد، از انصاف و عدالت محروم می شود و از دسترسی به حق ناکام می ماند" (۳۰)



پس نوشت:

۱۷. العولمة و إعادة صياغة العالم، نقل از العولمة و خيارات المواجهة، ص ۱۰.
۱۸. مستقبل الأصولية الإسلامية، دکتر يوسف القرضاوی، ص ۷۸-۷۷.
۱۹. العولمة و خيارات المواجهة، ص ۱۳؛ العولمة و مستقبل العالم الإسلامي، ص ۱۱.
۲۰. العولمة و خيارات المواجهة، ص ۲۱.
۲۱. آل عمران ۱۹-۱۸، ۲۲. آل عمران ۸۵.
۲۳. توبه ۳۳، ۲۴. فتح ۲۸.
۲۵. السياسة و السياسة الدولية، ص ۴۶-۴۵.
۲۶. "و اعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا ..."، آل عمران ۱۰۳.
۲۷. "فان تنازعتهم فی شیء فردوه الی الله و الرسول"، نساء ۵۷.
۲۸. "أما المؤمنون اخوة..."، حجرات "ان الله یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفا کأنهم بنیان مرصوص"، صف ۴.
۲۹. عنکبوت ۶۹.
۳۰. نهج البلاغه، خطبة ۲۷، با تعلیقات دکتر صبحی صالح.